سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۱۷

نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

شنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۳ ۸ صفحه

۲۰۰۰ تومان (مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



دکتر ابراهیم شفیعی جراح قلب بوشهر؛ چهره ماندگار بوشهر

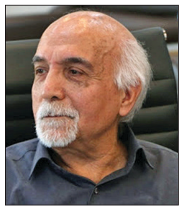
سلطان قلب ها

پزشکی از جنس مهربانی و دانش و تواضع

بهار طبیعت مقارن بابهارشریعت

به مناسبت تقارن ماه مبارک رمضان باعیدنوروز۱۴۰۴

حسین حشمتی



این دومین سالی است که عید نوروز با ماه مبارک رمضان مصادف می‌شود. امسال روز پنجشنبه ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ مصادف با لحظه تحویل سال۱۴۰۴ (روز عید نوروز) و در عین حال، شب نوزدهم رمضان و ضربت خوردن حضرت علی‌ابن‌ابیطالب(ع) است و از آن‌جایی که روز۲ فروردین شب شهادت آن حضرت و روزهای سوم تا پنجم فروردین مصادف با۲۱و ۲۲ماه رمضان ایام و لیالی قدراست لذا متدینان روزه دار و حتا آنانی که به هردلیلی روزه نگرفته باشند قاعدتا هیچ دل و دماغی برای برگزاری مراسم ویژه نوروز یعنی سفره هفت سین و دید و بازدید عید نوروز را ندارند.

بدیهی است که ۵ روز تعطیلات رسمی هم با تاثیرپذیری از واقعه جانگداز شهادت مولای متقیان که به اصطلاح (نوعید)ایرانیان شیعه مذهب محسوب می‌شود هم نه تنها شور و حال سال‌های پیشین را نخواهد داشت بلکه سفرهای نوروزی وگردشگری و جلب توریست (اگر انجام شود) با اکراه و سختی همراه خواهد بود با این وصف نمی‌توان و نباید این تقارن فرخنده را یکسره حزن و اندوه شمرد چرا که در خود ماه مبارک ایام شادی و سروری همچون میلاد منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود (ع) و همچنین میلاد مسعود امام حسن مجتبی (ع) جشن های نیمه ماه رمضان از جمله اعیادی است که موجبات شادی و نشاط ملت مسلمان ایران را فراهم خواهدکرد به ویژه این که مراسم افطار در مساجد و تکایا و همچنین دور همی های فامیل و دوستانه، فرقی با دید و بازدیدهای نوروزی ندارد یعنی هم زیارت است هم عبادت.

بااین اوصاف اما، دشواری هایی که فوق به آن‌ها اشاره شد باعث رونق مسافرت هم میهن‌های پولدار به خارج و طبقه متوسط به داخل کشور می‌گردد‌که لابد از چند ماه پیش تدارکات لازمه را دیده اند تا از نیمه های اسفند ماه به تدریج راهی کشورهای مسلمان همسایه ای شوند که نه تنها چندان مقید به انجام واجبات مذهبی نیستند بلکه تبلیغات وسیعی رابرای سفر ایرانی ها به کشورهایشان شروع کرده‌اند، بی جهت نیست که رئیس جمهور کشور تاجیکستان رسما از ایرانیان دعوت کرد به آن کشور سفر کنند و گفت (بیائید ما یک ماهه فروردین را جشن خواهیم گرفت) و در جایی خواندم که هتل های آن کشور اقامت شب اول را رایگان اعلام کرده اند، این‌ها را نوشتم تا وزرای ذیربط در دولت چهاردهم به ویژه رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به این موضوع مهم توجه داشته و طبق قاعده سهله و سمحه به گونه برنامه سازی کنندکه ملت ایران به طیب خاطر در کشورشان بمانند و در این تنگنای اقتصادی ارز از کشورخارج نشود.

مصطفی تازش کارگردان تئاتر شهرستان جم در مصاحبه با نسیم جنوب:

متاسفانه هنر به عنوان یک اولویت ثانویه تلقی می‌شود



– لطفاخودتان رامعرفی کنید و اینکه از چه زمانی به هنر تئاتر علاقمند شدید؟

– مصطفی تازش، متولد شهر جم. ۳۵ ساله، کارگردان تئاتر و علاقه مند به مجسمه سازی. شغلم بهره بردار گاز، شرکت پارسافیدار _منطقه ویژه پارس جنوبی است. از نوجوانی به تئاتر علاقه مند بودم.

–آیاشخصا بازیگر تئاتر بودید یا از ابتدا کارگردانی آن را برعهده گرفته اید؟

– از سال ۸۷ در گروه‌های تئاتر به صورت حرفه‌ای‌تر به عنوان بازیگر چند کار کمدی بازی کرده‌ام و اولین کارگردانی‌ام به شکل رسمی سال ۹۲ با تئاتر کوری (برگرفته از رمان کوری اثر ژوزه ساراماگو) بود.

–تاکنون چند تئاتر و در چه زمینه‌هایی را کارگردانی کرده اید؟

–تئاتر کوری اثر اقتباسی (رمان کوری ژوزه ساراماگو)، درام اجتماعی، تمثیلی.

–عروسکی برای دخترم –نوشته خودم، تراژدی،ضد جنگ.

–کمدی اقتباس–نوشته خودم_ کمدی/تراژیک.

–پروانه و یوغ نوشته محمد چرمشیر– درام روانشناختی.

–شکار مرگ نوشته آیرا لوین _ کمدی سیاه ،تریلر هیجان آور و ترسناک.

–یک تکه از گفتار گمشده ماندانا در گزارش شاه کشی نوشته میلاد اکبر نژاد. تراژدی – تاریخی.

–فیلم کوتاه بهاری نو. اجتماعی ،روانشناختی.

–لطفا درمورد تئاتری که به تازگی کارگردانی کردید، توضیح دهید؟

– یک نمایش تاریخی از تولد کورش پادشاه بزرگ و نامی ایران زمین و برچیده شدن حکومت پدر بزرگش که پادشاهی ظالم و سفاک بود.

–آیاباکارگردانان نام آشنای تئاتر ایران آشنایی دارید؟

– با برخی از بزرگان نمایش مثل آرش دادگر، محمد رحمانیان، اصغر دشتی، امیر رضا کوهستانی روابط خوبی دارم و افتخار شاگردی در محضر ایشان داشته‌ام.

–استقبال مردم ایران ازهنر تئاتر چگونه است؟

– در این خصوص فقط می‌توانم در مورد شهر خودمون و نمایش‌های خودم نظر بدهم و بگویم که به لطف مخاطب به من و گروه سفید و سیاه بی‌نظیر بوده و همیشه یا در اکثر مواقع باحضورشان موجب دلگرمی هستند و سالن را پر می‌کنند، مخاطب؛ قلب تپنده تئاتر هست.

–بازیگران‌تان را باچه شاخص هایی درهنر تئاتر انتخاب می‌کنید؟ آیا دوره هنری دیده اند یا با استفاده از هنر ذاتی بازیگر شده اند؟

– انتخاب بازیگر نمایش شاخصه های متعددی دارد و برای یک بازی چند دقیقه ای ماه ها تمرین و زحمت نیاز است، تیم بازیگری ما هم تلفیقی از با تجربه‌ها، تحصیل کرده ها و هنرجوهای تازه کار هست که افتخار همکاری با این دوستان را داشتهام.

– در شهر جم چند تماشاخانه و سینما وجود دارد و تحت مالکیت بخش خصوصی است یادولتی؟

– دو سینما در شهرک‌های نفت و گاز هست، فرهنگسرایی که چند سال هست نیمه کاره رها شده، تنها سالن نمایش که در اختیار گروه‌های نمایش قرار می گیرد همین پلاتو چگاسه هست با امکانات کم بدون در نظر گرفتن هزینه ای برای نگه داری که روز به روز فرسوده تر می‌شود، سالنی با ظرفیت کمتر از شصت نفر برای شهری با جمعیت بیش از ۷۰ هزار نفر.

–آیا مسئولان فرهنگی شهرستان همکاری های لازمه را با هدف هر چه شایسته‌تر اجرا شدن تئاتر در شهر جم دارند؟



– مسئولان فرهنگی با حمایت در حد وسع همیشه حمایت می کنند ولی این حداقل ها برای اهل هنر و مردم این شهر شایسته نیست و می‌توانند با ارتباط نزدیک‌تر با مسئولان شهرستان و استان و استفاده از رسانه برای بیان نظرات خود و انتقال پیام هنرمندان توجه عموم را برای مطالبه گری خواسته های هنرمندان بهره ببرند، با ایجاد پل ارتباطی بین هنرمندان و شرکت‌های صنعتی (نفت و گاز منطقه ویژه)، فرصتی برای مشارکت هنرمندان بومی در پروژه های فرهنگی و هنری فراهم کنند.

– برای بهتر اجرا شدن هنر تئاتر چه انتظاری از مسئولان شهر جم و مدیران منطقه ویژه پارس جنوبی دارید؟

– درهر دوره و زمان که توجه مسئولان به هنر و فرهنگ بیشتر بوده شاهد رشد و شکوفایی جامعه بوده ایم. بر کسی پوشیده نیست مدت‌هاست مسئولین بیشتر بر روی مسائل اقتصادی تمرکز دارند و بودجه‌های فرهنگی را کاهش می‌دهند. این رویکرد باعث می‌شود که متاسفانه هنر به عنوان یک اولویت ثانویه تلقی شود. سرمایه‌گذاری در فرهنگ و هنر نه تنها یک هزینه نیست بلکه یک سرمایه‌گذاری بلندمدت برای آینده‌ای بهتر است.

ضرورت افزایش اختیارات استانداران

دکتر عباس علوی نژاد



مقدمه: در سفر دکتر پزشکیان رئیس جمهور محترم به استان بوشهر، افزایش اختیارات و جایگاه استانداران را به عنوان رئیس جمهور منطقه مطرح و گفتند:

موضوع با مقام معظم رهبری مطرح و در جلسه سران سه قوه تصمیم گیری و هر اختیاری هم که نیاز باشد تفویض خواهد شد. ایشان افزودند: این که در تهران مدیران برای استان‌ها تصمیم بگیرند درست نیست. کسی که در استان مستقر است بهتر می‌بیند، بهتر می تواند محاسبه کند و تصمیم بگیرد.

در این رابطه چند نکته حائز اهمیت و قابل توجه است:

الف:تاریخچه قانونی اختیارات استانداران

۱-اولین قانون وظایف و اختیارات استانداران مصوب ۲۸ فروردین ماه ۱۳۳۹ می باشد.

۲-بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اولین مصوبه در ارتباط با وظایف استانداران درشورای عالی اداری(هشتادمین جلسه مورخ مهر۱۳۷۷) با پیشنهاد سازمان‌امور اداری و استخدامی کشور و وزارت کشور در اجرای مفاد تبصره ۳۱ قانون‌برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور متناسب کردن اختیارات استانداران و فرمانداران با مسئولیت‌های محوله‌در استان ، تعیین نحوه ارتباط آن‌ها با مقامات مرکزی، نحوه نظارت برعملکرد مدیران محلی، چگونگی عزل و نصب آنان و همچنین تعیین وظایف‌استانداران و فرمانداران و نحوه عزل و نصب آن‌ها و چگونگی ارتباط آن‌ها بامسئولین دستگاه‌های اجرایی تصویب شد.

۳-اصلاح مصوبه تعیین وظایف و اختیارات استانداران و فرمانداران و نحوه عزل و نصب آنان (تصویب‌نامه شماره ۱۰۷۵۳۵ تاریخ ۲۰/۰۶/۱۴۰۲ شورای عالی اداری)

در جلسه ۱۹۰ شورای عالی اداری با استناد به ماده۱۱۴قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۰۸/۰۷/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات و الحاقات بعدی در ۱۱/۰۴/۱۴۰۲ به پیشنهاد مشترک وزارت کشور و سازمان اداری و استخدامی کشور و به منظور روزآمدسازی و متناسب کردن وظایف و اختیارات استانداران و فرمانداران با مسئولیت‌های محوله در استان، تعیین نحوه ارتباط آن‌ها با مقامات مرکزی و مدیران استانی و نظارت بر عملکرد آنان اصلاحاتی در مصوبه ۳۰/۰۷/۱۳۷۷ تصویب گردید که از بیان جزئیات آن صرف نظر می شود.

۴-در دولت نهم برای افزایش اختیارات استانداران اقدام به ادغام سازمان برنامه و بودجه استان ها در زیر مجموعه استانداری شد اما این تجربه موفق نبود و در دولت یازدهم لغوشد وبه حالت قبل برگشت.

در دولت سیزدهم هم باطرح موضوع استاندار ویژه و اجرای آن درخوزستان قصد افزایش اختیارات استاندار را داشت و در اولین سفر استانی رئیس جمهور وقت به خوزستان چنین مطرح شد: استان‌هایی که مشکل خاص دارند، استانداران ویژه انتخاب خواهند شد تا با اختیارات ویژه بتوانند به صورت نوبه‌ای مسائل استان را در زمان‌های کوتاه با حضور در هیئت دولت مطرح و پیگیری کنند و رفع محرومیت در استان‌هایی مانند خوزستان و سیستان و بلوچستان در اولویت اقدامات همه دولتمردان خواهد بود. اما این تجربه هم به دلیل مشخص نکردن جایگاه قانونی و عدم تصویب اختیارات مشخص ادامه نیافت.

ب:تجربه کشورها در اداره متمرکز یا فدرالی

حدود ۴۰درصد مردم دنیا در ۲۰ کشور از جمله آمریکا، آلمان، روسیه، برزیل، کانادا، هند، نیجریه، استرالیا و سوئیس که حدود ۵۲ درصد وسعت دنیا را به خود اختصاص داده اند ، دارای نظام فدرالی هستند. آمار سازمان توسعه و همکاری اقتصادی تأیید می‌کند که به لحاظ تعداد ۱۶۸ عضو سازمان ملل متحد، ساختار سیاسی متمرکز دارند.

برای هر دو نظام متمرکز یا فدرالی معایب و فوایدی بیان شده و پژوهش‌هایی هم در این رابطه صورت گرفته است که علاقمندان می توانند به آن‌ها ارتباط مراجعه نمایند. در عدم تمرکز، دولت مرکزی حق و اختیار تصمیم گیری و گاهی امکانات مادی لازم را به نهادهای منطقه ای و محلی که متصدیان آن‌ها توسط مردم همان محل انتخاب شده اند، واگذار می کند؛ اما در تمرکز، اختیارات عمومی در اختیار حکومت مرکزی است. محتوا و مبنای اصلی فکر عدم تمرکز این است که به یک جامعه انسانی که در داخل جامعه بزرگتر قرار دارد، مسئولیت داده شود که امور مخصوص به خود را اداره کند.

> **اگر منظور رئیس جمهور از تمرکززدایی، ایجاد نظام فدرالی باشد که نیاز به کارشناسی بیشتر دارد و زمان‌بر خواهد بود ولی اگر در ساختار کنونی با استفاده از اختیارات شورایعالی اداری باشد، زودتر به نتیجه می‌رسد و دولت می تواند از اختیارات قانونی خود برای تمرکززدایی استفاده کند که قطعا به نفع مدیریت بهتر استان‌ها خواهد شد**

در ساختارهای حکومتی کشورهایی که تقسیمات کشوری به رسمیت شناخته شده است و سطحی از مدیریت منطقه ای در کنار سطح حکومت ملی تشکیل شده است مکانیزم های مختلفی برای انتخاب مدیریت منطقه‌ای وجود دارد که بر روی عملکرد آن‌ها تاثیر خواهد داشت . شیوه های زیر در انتخاب مدیریت ارشد منطقه وجود دارد: شیوه اول انتخاب از سوی حکومت مرکزی. شیوه دوم انتخاب از سوی منتخبین مردم منطقه (شورای استان یا مجلس ایالتی)

شیوه سوم انتخاب مستقیم از طرف مردم

برخی کشورها همانند فرانسه در سطح مدیریت شهرها و با انتخاب عمومی شهرداران دست به تمرکززدایی و مشارکت مردم و بسط توسعه مدیریت منطقه‌ای زده است و در این امر توفیقات هم داشته است. در کشور ما هم با نقش‌آفرینی شوراها در مدیریت شهرها قدم‌های موثری برداشته شده است.

در منطقه ما کشور پاکستان از پنج ایالت، یک منطقه خودمختار قبایلی، یک منطقه فدرال پایتخت (اسلام‌آباد) و دو منطقه مربوط به جامو و کشمیر تشکیل شده است. ایالت بلوچستان و ایالت خیبر پختونخوا (سرحد شمال غربی)، خود نیز دارای مناطق خودمختار قبایلی هستند.

ج:امکان سنجی و بررسی

باتوجه به تجارب جهانی و تاریخچه قانونی اختیارات استانداران در ایران و موقعیت جغرافیایی و تنوع قومی،دینی و مذهبی تصمیم گیری برای انتخاب یکی از گزینه ها نیاز به بررسی و مطالعه کارشناسی بیشتر دارد. قابل ذکراست تداوم روند تمرکز گرای فعلی هم در کشور ما مقدور و به مصلحت نمی‌باشد اگرچه به نسبت سال‌های گذشته در رویکرد تمرکز گرا، در امور مالی، بودجه و برنامه‌ریزی تحول صورت گرفته مثل باز تعریف طرح های عمرانی ملی واستانی، واگذاری اختیار تصمیم گیری عمده طرح ها به شورای برنامه ریزی استان ها و اختیار قانونی پیشنهاد طرح به شورایعالی استان ها اما در بخش مدیریت و مصرف درآمدهای استانی هنوز جای اصلاح وتحول وجود دارد.

اگر منظور رئیس جمهور از تمرکززدایی، ایجاد نظام فدرالی باشد که نیاز به کارشناسی بیشتر دارد و زمان‌بر خواهد بود ولی اگر در ساختار کنونی با استفاده از اختیارات شورایعالی اداری باشد، زودتر به نتیجه می‌رسد و دولت می تواند از اختیارات قانونی خود برای تمرکززدایی استفاده کند که قطعا به نفع مدیریت بهتر استان‌ها خواهد شد.پیش‌ازاین تحت عنوان نقش برنامه هفتم توسعه در پیشرفت استان ها مطالبی ارایه ودر شماره ۱۱۱۴نشریه نسیم جنوب منتشر گردید.

نتیجه گیری: بنابراین ایالتی کردن نیاز به اصلاح قوانین و تصمیم‌گیری کلان و توجه به همه جوانب آن دارد و زمانبر است اما درکوتاه مدت امکان افزایش اختیارات استانداران توسط دولت برای تصمیم‌گیری در شورای برنامه‌ریزی، عزل ونصب ها، شورای تأمین و سایر موارد وجود دارد وبا مصوبه شورایعالی اداری ممکن است.

از حیث جایگاه اداری استانداران در قانون استخدامی و نظام هماهنگ در لیست مقامات هم سطح معاون وزیر و در قانون مدیریت خدمات کشوری در جایگاه بالاتر از معاون وزیر و پایین تر از وزیر تعیین شد که یکی از راه کارها ارتقای جایگاه اداری استانداران به هم سطح جایگاه وزیر است تا در دسترسی، ارتباطات وتصمیم‌گیری تسهیل شود. تفویض اختیارات بیشتر در مدیریت، تصمیم‌گیری و نظارت بر عملکرد مدیران استانی از طرف وزیران به استانداران هم ضرورت دارد.

در مورد سازمان‌هایی مثل مناطق آزاد تجاری، مناطق ویژه انرژی، طرح‌های کلان ملی و موارد مشابه باید سازوکار لازم برای نقش‌آفرینی بیشتر استانداران به منظور رعایت مصالح عمومی مردم ومنطقه لحاظ گردد.

نوروز؛ پیوند دهنده ایرانیان

فریبا درویشی



نوروز نخستین روز سال خورشیدی برابر با یکم فروردین جشن آغاز سال نوی پارسی و یکی از کهن‌ترین جشن های به جا مانده از دوران باستان است. خاستگاه نوروز در ایران باستان است و در مناطق وسیعی در آسیا و دیگر نقاط جهان جشن گرفته می شود.

زمان برگزاری نوروز اعتدال بهاری و در آغاز فصل بهار است. نوروز با عنوان رسمی روز بین المللی نوروز توسط یونسکو به عنوان میراث فرهنگی و معنوی بشر به ثبت جهانی رسیده است. نوروز در ایران و افغانستان آغاز سال نو محسوب می شود و در برخی دیگر از کشورها یعنی تاجیکستان روسیه قرقیزستان قزاقستان سوریه عراق گرجستان جمهوری آذربایجان آلبانی چین ترکمنستان هند پاکستان و ازبکستان تعطیل رسمی است و مردمان آن جشن را برپا می کنند

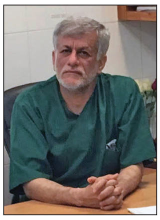
نوروز به عنوان یک جشن قدیمی و کهن از ایران باستان به ارث رسیده است و از آن به عنوان نماد پیوند دهنده افراد و اقوام ایران زمین و ملت ایران یاد می شود.

ایرانیان نوروز را آغازگر رستاخیز طبیعت گاه رویش و زایش باغ و بوستان می دانند و بر این باور هستند که در نوروز همزمان با طبیعت باید روزگار نو و جدیدی را با روان و نگرش نو در تن پوش تازه ای آغاز کنند. این روز همچنین یکی از روزهای مقدس و اعیاد مذهبی زرتشتیان به شمار می رود

دکتر شفیعی جراح قلب بوشهر؛ چهره ماندگار بوشهر

سلطان قلب ها

دکتر عبدالرحیم مهرور



برای چهره ماندگار شدن، نیاز به ادب و هنر است. اما هر هنری هنرمندانه نیست؛ هنری جاودانه می‌شود که مردمی باشد و در دل انسان‌ها حک شود.

زیرا انسان‌ها یک‌باره چهره نمی‌شوند؛ انسان‌ها زمانی چهره می‌شوند که خالق انسانیت باشند.

هر چند که همه انسان‌ها بویی از بودن و نشانی از وجود در ذات خود دارند.

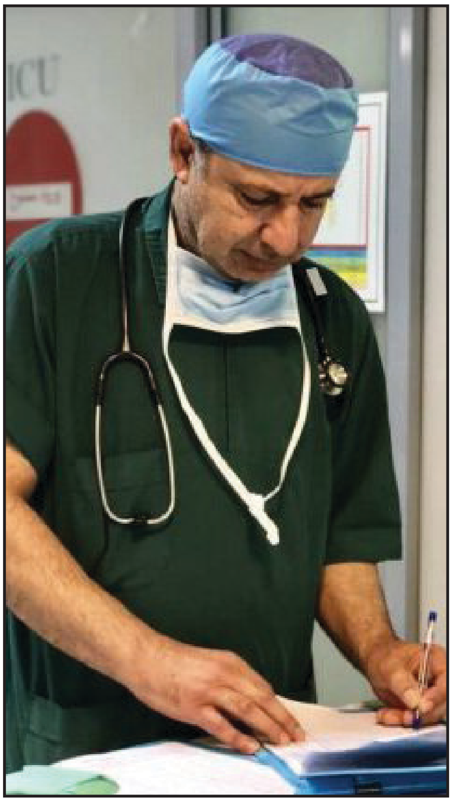
دکتر ابراهیم شفیعی؛ شفادهنده‌ای بی‌ریا و بی‌همتا در شکاف (دهلیز و بطن) روشن قلب‌ها، پزشکی مردمی و احیاگر هزاران قلب دردمند که روزانه با پنجه‌های طلایی به تپش می‌افتند.

سلطان قلب‌هایی که سلطانی را در مرام، ادب و متانت در رفتار و کردار آموخت، نه در سیاست و نیرنگ.

دردمندی که هرگز حاضر نشد سوگند پزشکی را با مادیات بفروشد. قلب‌هایی که پر از خستگی و پژمردگی از بی‌نظمی بودند، بدون چشم‌داشتی با ضرباهنگی منظم از ریتم سینوسی به تپش وامی‌داشت.

دکتر شفیعی؛ بنیان‌گذار بیمارستان قلبی که روزی هرگز باورمان نمی‌شد در چنین استان محروم و بی‌کسی فردی آستین تنهایی را بالا بزند و در کسوت پزشکی محرومان استان را تنها نگذارد.

اکنون قدردانش هستیم و به پاس مرام و مهربانی‌اش سر تعظیم فرود می‌آوریم و از کسانی که در مرامشان بی‌وفایی و در ذاتشان فریب و دورویی است، دوری می‌کنیم.



پزشکی از جنس مهربانی و دانش و تواضع

دکتر عبدالرسول خسروی

به بهانه‌ی ماندگاری چهره‌ای نام‌آشنا در روز ۱۸ اسفندماه ۱۴۰۳، دکتر ابراهیم شفیعی، فوق‌تخصص قلب، یاد و خاطره‌ی خدمات بی‌بدیلش را گرامی می‌داریم.

در گوشه‌ای از این سرزمین گرم و باصلابت، جایی که خورشید با آغوشی پرحرارت بر پهنه‌ی خلیج همیشه فارس ایران می‌تابد، مردی از جنس مهربانی و دانش و تواضع، نامش را بر جریده قلب‌های مردم استان بوشهر تا ابد به یادگار حک کرده است. دکتر ابراهیم شفیعی، نه تنها به واسطه تخصص و دانش پزشکی بی‌بدیلش به حل سخت‌ترین و ناشدنی‌ترین مشکلات قلبی عروقی می‌پردازد، بلکه با قلبی آکنده از مهر و عطوفت التیام‌بخش آلام روحی مردمان این دیار نیز می‌باشد.

بسیار دیده‌ایم و شنیده‌ایم که چگونه او با عشق و تعهدی مثال‌زدنی، به هماوردی ناملایمات جسمی و روحی قلب‌های نزار بیمارانش می‌رود. هر ضربان قلب را با دقت و حساسیتی



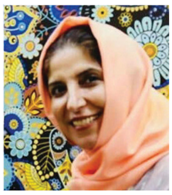
مثال‌زدنی می‌شنود. گویی با هر گوش سپردن و گفتگو با بیمار، کالبد خسته‌ی وی را جانی تازه می‌بخشد. او نه تنها پزشکی حاذق و طبیبی چیره‌دست برای درمان بیماری‌های به ظاهر لاعلاج است، که مامنی یگانه برای دل‌های بی‌قرار و خسته بیماران و همراهان آنان نیز هست.

دکتر شفیعی با تلاش‌های بی‌وقفه‌اش، نه تنها ضرباهنگ ضربان قلب‌ها را عاشقانه کوک می‌کند، بلکه امید را در دل مردمان این سرزمین زنده نگاه می‌دارد. این استاد نازنین، صادق و دوست‌داشتنی، با مهربانی بی‌حد و مرزش، از خویشتنِ خویش یادگاری جاودانه بر تراز بیِ بقای این خاک دامن‌گیر برجای گذاشته‌است؛ یادگاری که تا همیشه‌ی تاریخ به بلندای شکوه خلیج فارس تکرار خواهد شد.

جای خرسندی و خوش‌وقتی است که دست‌اندرکاران برنامه‌ی روز بوشهر با چنین حُسن انتخاب و سلیقه‌ای به پاسداشت بزرگمردی می‌پردازند که خوشبختی خویش را در رضایت مردم و شاد نمودن تن و روان خسته آنان جستجو می‌کند. چهره‌ای که در طول سالیان متمادی، نه تنها درمانگر جسم، که تسکین‌دهنده‌ی روح و آلام مردمان این دیار بوده است. بی‌شک نام و یاد دکتر ابراهیم شفیعی عزیز، تا همیشه در خاطر مردم بوشهر جاودانه خواهد ماند.

خندیدن به ریش روزگار

مژده مواجی – آلمان



اِلزه ماری را اغلب در جمعه بازار می‌بینم. چهره زنانه ظریفش با موهای کوتاه نقره‌ای احاطه شده است و با پاهای کشیده‌اش که در کفش اسپورت جا داده، قدم‌های بلندی بر می‌دارد. همیشه کوله‌پشتی به پشت دارد و در دستش ساکی برای خرید. با دیدن همدیگر، چشم‌های آبی‌اش از پشت عینک می‌درخشد و سر گفت‌وگو از این‌ور و آن‌ور باز می‌شود و هم‌نشین می‌شویم.

اِلزه ماری «دلقک» است. دلقک کلینیک کودکان. او با شَخصیت باز، شوخ طبعی‌اش وعلاقه‌اش به رقص، بعد از بازنشستگی دوره کوتاهی دیده و با گرفتن مجوزِ کار، در کلینیک کودکان شروع به کار کرده است. دلقک‌درمانی برای کودکان مریض. کودکانی که گاهی تا مرگ فاصله‌ای ندارند. درمانی بدون داروهای شیمیایی؛ تنها با شاد کردن، لحظه‌ای درد و یأس را به فراموشی سپردن، تقویت عزت نفس و امید دادن. امید تنها درمانی است که درد را کاهش می‌دهد و نشاط که سیستم ایمنی بدن را تقویت می‌کند.

اِلزه ماری لباس کارش را که می‌پوشد، بینی اسفنجی قِرمزش را می‌گذارد و «به‌طور رسمی» دلقک می‌شود. به ریش دنیا می‌خندد، تابوها را می‌شکند، از قید و بند آزاد می‌شود، تمام ضعف‌هایش را به‌راحتی نشان می‌دهد، بی‌آن‌که سرزنش شود. همه را می‌خنداند؛ کودکان و وابستگانشان را.

او می‌گوید: «مردم که می‌خندند، در واقع به‌روی خودشان می‌خندند. ما آدم‌ها همه در درون‌مان دلقکی داریم. آن را باید پیدا کرد و مراقبش بود. این‌طوری زندگی کردن آسان‌تر می‌شود.»



«اعتراض به برنامه‌های تکراری و بی‌رونق شهرداری و شورای شهر، به مناسبت روز بوشهر»

بوشهر؛ شهری با ظرفیت‌های بی‌بدیل، اما در سایه بی‌توجهی

ولید صفری



روز نکوداشت بوشهر، بیش از آن‌که تجلی هویت و تاریخ این شهر باشد، به مراسمی تکراری و کم‌رمق تبدیل شده که نه شور و نشاطی در مردم برمی‌انگیزد و نه انگیزه‌ای برای پیشرفت ایجاد می‌کند. شهری با قدمتی دیرینه و ظرفیت‌های طبیعی بی‌نظیر، اما گرفتار در چرخه‌ای از بی‌توجهی و فقدان برنامه‌ریزی، که روزبه‌روز از جایگاه خود فاصله می‌گیرد.

اکثر هر سال به مناسبت هجدهم اسفند به نمایش گذاشته می‌شود، نه پاسداشت بوشهر، بلکه بازتابی از رخوت و بی‌انگیز گی است؛ مراسمی کلیشه‌ای و خسته کننده که نه جوانان را جذب می کند و نه برای میان‌سالان امیدبخش است. چهره خسته و افسرده مردم، گواهی بر این واقعیت تلخ است که بوشهر، در پس این نمادهای نمایشی، با مشکلات و کاستی‌هایی عمیق دست‌وپنجه نرم می کند.

این شهر کوچک، با موقعیت کم‌نظیر و مواهب خدادادی، می‌توانست قطب توسعه و پیشرفت باشد، اما در سایه کم‌کاری‌ها و تصمیمات ناکارآمد، روزبه‌روز از ظرفیت‌های واقعی خود دورتر می‌شود. در چنین شرایطی، برگزاری غالب مراسم و برنامه‌هایی که فاقد محتوا و دستاورد ملموس باشد، چیزی جز تلاشی برای پنهان کردن واقعیت‌های تلخ نیست.

تا کی باید با بوشهر این‌گونه رفتار کنیم؟ تا کی قرار است این شهر، به‌جای حرکت به‌سوی پیشرفت، در ورطه بی‌برنامگی گرفتار بماند؟ اگر قرار است روز نکوداشت بوشهر معنایی واقعی پیدا کند، باید بازتابی از هویت، ظرفیت و مسیر توسعه این شهر باشد، نه یک مراسم تکراری که تنها پوسته‌ای از شهریت را به نمایش می‌گذارد.



جدال امواج دریا با تخته سنگ‌های رو سیاه

نادر اقدام



یکی از خصوصیات امواج دریا این است که یک روز آرام و روزی دیگر خروشان و کف‌آلودند و از بی تحرکی بیزار.

جزر و مد روزانه و شبانه، پیام و فریاد اعتراض‌آمیز مرغان دریایی و پرواز آن ها در مسیر مخالف باد به ما می آموزند که در برابر توفان‌ها و هر سد و صخره روسیاهی مقاومت کنیم و دست از کوشش برنداریم، اگر چه تخته سنگ‌های بُرنده و تیغ دار خطوط ساحلی با کبر و غرور بی‌جای خود سال‌هاست که در برابر امواج خروشان و معترض پایداری می‌کنند و امواج کف‌آلود را پس زده و همچون سدی با دهن کجی آن‌ها را عصبانی و تحقیر می کنند. اما خشم امواج خستگی‌ناپذیر روز به روز شدت می گیرد و این جنگ و گریز فرسایشی تا سرنگونی و ریزش و شکستن صخره های روسیاه ادامه می یابد.

تا این‌که یک روز موج‌های شجاع همراه با نسیم صبحگاهی تصمیم به اتحاد می گیرند. حالا امواج دارای لیدر هستند و روز موعود فرا رسیده است. هفت فرمان و قانون سری همگام با نت‌های موسیقی به رهبری پوزئیدون (۱)وضع می کنند. گام‌ها و آواهای انقلابی و اعتراضی گسترش می‌یابند و به توفانی تبدیل می گردند. پوزئیدون در می یابد که همه امواج در سکوت، پیام انقلابی او را دریافته اند. لذا با فرمان پوزئیدون همه دست به دست و متحد با گام‌های استوار و منظم به سوی سواحل آزادی سر از آب بیرون آورده و برای آن همه خواسته های بحق و لگدمال شده دست به شورش زده و خروشان و کف آلود خود را در آغوش ساحل آزادی می اندازند.

در نهایت این امواجند که در پایان این دوئل نفس‌گیر صخره ها را درنوردیده و پیروز و رو سفید از آب در می آیند.

یاد باد اجساد صدف‌هایی که با مرگ خود راه را برای این پیروزی بزرگ فراهم کردند و با هر یورش امواج، دلیرانه زخمی بر پیکر صخره های روسیاه وارد می کردند و اکنون در ساحل آرامش تلالو اجساد آن‌ها چشم نواز است.

(۱) پوزئیدون(Poseidon)از اساطیر یونان باستان و خدای آب های شور و شیرین است.



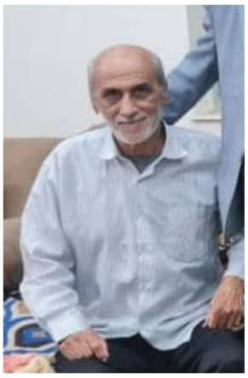
تجلیل از رضا ماهیگیر، نه فقط به عنوان یک فوتبالیست، بلکه به عنوان نماد عشق، غیرت و ایثار

افسانه‌ی یک قهرمان؛ از زمین‌های خاکی تا میدان‌های ایثار

صفحات تاریخ را که ورق می‌زنیم، گنجینه‌هایی از مردان بی‌ادعا نمایان می‌شود؛ انسان‌هایی که ردپایشان بر زمین باقی مانده و نامشان در یادها جاودانه شده است. امروز، پرده از قصه‌ی مردی برمی‌داریم که در سال ۱۳۳۹ چشم به جهان گشود، مردی که نامش برای فوتبال بوشهر معنایی فراتر از یک بازیکن بود.غلامرضا ماهینی (ماهیگیر)، مردی که کوچه به کوچه، محله به محله، زیر آفتاب سوزان و رطوبت نفس‌گیر، به دنبال قلمروی بود تا استعداد، تکنیک، و کاریزمای بی‌بدیلش را به رخ بکشد. در زمین‌های خاکی، او همچون طوفانی می‌وزید و نگاه‌ها را مسحور لطافت و زیبایی بازیش می‌کرد. همین جادوی توپ بود که او را به تیم طوفان کشاند. در آن‌جا، در قامت یک گوش راست برق‌آسا، زمین و زمان را به هم می‌دوخت تا بازنده‌ی هیچ میدانی نباشد. اما بلندپروازی‌اش او را راضی نمی‌کرد؛ او برای شکوفایی بیشتر، پیراهن تیم شهباز را بر تن کرد تا از محضر استاد جلال غریب‌زاده، که نامش زبانزد خاص و عام بود، درس فوتبال و زندگی بیاموزد.

روزها می‌گذشت و ماهینی در قامت یک جوان بااصالت، در کنار هم‌بازی‌هایش درخشید. او خود را در میدانی دیگر آزمود، جایی که مردانش همچون گلادیاتورها برای افتخار می‌جنگیدند.تیم دارایی بوشهر، در کنار اسطوره‌هایی همچون فکی و جلیلی، او یکی از سخت‌ترین حریفان برای هر تیمی بود. اما تشنگی‌اش برای پیشرفت تمامی نداشت. این‌بار، مسیرش به تیم کارگر ختم شد، جایی که زیر نظر استاد ابراهیم فرهومند تجربه‌ای متفاوت را رقم زد. او همچنان با شجاعت و شهامتی مثال‌زدنی، هر مدافعی را از پیش رو برمی‌داشت و راهی به سوی دروازه می‌گشود.

قدس، آخرین ایستگاه فوتبالی ماهینی بود. اما درست در روزهایی که می‌توانست در تیم‌های مطرح‌تر بدرخشد، تصمیمی گرفت که نشان از بزرگی روح و عظمت شخصیتش داشت. او فوتبال را کنار گذاشت و میدان سبز را به قصد میدان خون و آتش ترک کرد. جبهه‌ی جنگ را انتخاب کرد، نه برای افتخار شخصی، که برای دفاع از خاک و ناموس وطن. و در این مسیر، از جان مایه گذاشت و به افتخار بزرگ جانباز دفاع مقدس نائل شد.در یک شب بیادماندنی، دوستان، هم‌بازی‌ها، و همراهان دوران طلایی‌اش گرد آمده‌اند تا رضا ماهیگیر را، نه فقط به عنوان یک فوتبالیست، بلکه به عنوان نماد عشق، غیرت، و ایثار ارج نهند. شبی که خاطرات دیروز را زنده می‌کند و از مردی می‌گوید که نه‌تنها در فوتبال، که در میدان زندگی نیز یک قهرمان بود.







تیم طوفان بوشهر در دهه پنجاه

ایستاده از راست: مهرداد آذرگون، محمدکرمی، محسن کوثرطلب (بادساز)، عباس آقایانی، رحمان فقیه، منصورقائدی، مجید قائدی، ابراهیم قدی‌رنژاد.

نشسته از راست: رحیم گلابیان، حسین میهن دوست، خدرکرمی، منصور کاوه‌ئیان، رضا ماهیگیر

به یاد زنده‌یاد علی(مرتضی) مصلح

شبی که ستاره‌ها گرد هم آمدند



همه‌چیز از همان جایی آغاز شد که دلتنگی‌ها و فاصله‌ها، روان و احساسات آدم‌هایی را نشانه رفت که در غبار زمان، رنج و تنهایی را به دوش کشیده بودند. اما این بار، دلتنگی نه برای دوری، که برای زنده کردن یاد مردی بود که جای خالی‌اش هنوز در دل‌ها سنگینی می‌کرد، مرحوم زنده‌یاد علی(سید مرتضی) مصلح. شبی که خانه‌ی سید جلال مصلح، برادر وفادار و همراه همیشگی علی، میزبان بزرگانی از فوتبال استان شد. محفلی گرم، پر از عطر خاطره و صدای کسانی که روزگاری در مستطیل سبز، با دل و جان برای افتخار این دیار جنگیده بودند. مجلس، پرحلاوت و سرشار از درس و حکایت بود؛ هر واژه، یادگاری از گذشته‌ای که هنوز در رگ‌های فوتبال این استان جریان داشت.این شب اما فراتر از یک دیدار ساده بود. شبی از جنس تصمیم، حرکتی از سر تعهد، و نقطه‌ی آغازی برای آینده‌ای روشن. میان تمام خاطره‌گویی‌ها، حرف‌هایی از جنس دغدغه و امید رد و بدل شد؛ حرف‌هایی که از ضرورت اتحادیه پیشکسوتان فوتبال استان می‌گفت، صدایی واحد، برای کسانی که عمری از بهترین لحظات زندگی‌شان را پای این ورزش گذاشته‌اند. و سرانجام، با رأیی قاطع، این اتحادیه متولد شد؛ تصمیمی که نه فقط برای حفظ یاد گذشته، بلکه برای ساختن آینده‌ای محکم‌تر گرفته شد.

در آن خانه، میان تمام چهره‌های آشنا، می‌شد حضور علی مصلح را حس کرد، در نگاه‌ها، در تصمیم‌ها، و در شوری که همه را به حرکت وا داشت.خانه‌ی سیدجلال، آن شب چیزی بیش از یک میزبان بود؛ صحنه‌ای برای همبستگی، برای گشودن دری به سوی فردایی که فوتبال این استان، دوباره به روزهای شکوهش بازگردد. شبی که نشان داد، هنوز برای این خاک‌خورده‌های فوتبال، هنوز برای این قلب‌های تپنده، هنوز برای این ستاره‌های قدیمی که روزی روشنی‌بخش میدان بودند، راهی برای درخشش دوباره وجود دارد.

شبی که تنها یک خاطره نبود،یک آغاز بود.

حدی خارگی؛ زبان مردم جزیره خارگ

حسن و حسین مژده (مژدگان)



باتوجه به این‌که جزیره خارگ از قدیم الایام از نظر سوق الجیشی حائز اهمیت بوده است، دریانوردان انگلیسی، پرتغالی، هلندی، ملاحان، صیادان هندی، پاکستانی و از اهالی سواحل و شیخ نشین‌های خلیج‌فارس به این جزیره رفت و آمد داشته اند و بعضا عده‌ای در خارگ سُکنا گزیده اند. و به همین علت زبان مردم خارگ مرتب دستخوش تغییر و دگرگونی گشته است.

پدرو تیشیرا جهانگرد پرتغالی در مورد جزیره خارگ این چنین می گویید؛ کوه‌های این‌جا سنگی هستند و آب خوبی دارد و باغات، نخل، گوسفند و بُز نیز در این حوالی است، اینجا دُکان‌های پیازفروشی هستند که پیازها را به بصره می برند و بومی‌های این‌جا بیشتر عرب هستند.

زبانی که مردم خارگ به آن تکلم می کنند، مخلوطی از زبان های عربی، ترکی، هندی، انگلیسی بوده است.

با توجه به میراث تاریخی و فرهنگی به جا مانده از تمدن‌های عظیم کُهن پارسی در این جزیره و سیاری از واژگان مستعمل در این گویش با زبان‌های باستانی ایران مشابهت‌هایی دارد که نشان از انشعاب این گویش از زبان‌های باستانی رایج در خاورمیانه و وسعت تاریخ آن دارد و می تواند خود دلیلی بر اثبات غنای تاریخی جزیره خارگ باشد.

می توان گویش کنونی مردم این سامان را بازمانده‌ی زبان پهلوی اشکانی /ساسانی دانست.

به‌جز حالات دستوری، بسیاری از اصطلاحات و کلمات که در این گویش کاربرد دارد شکل بومی شده کلمه پهلوی هستند؛

اُستُرَک: (sterah) ستاره. هم ریشه با stãrak در زبان پهلوی است و هم پیوند با زبان‌های هند و اروپایی، هم ریشه باstãr در زبان انگلیسی است.

اُشتُر «Ostor» «شتر»، اُشتُ «oshtow» «شتاب»، اُورowr «ابر»، پازن «بز نر بزرگ»،پریر «Perir» (یک روز بیش از روز گذشته)، پِرَندوش؛دوشب گذشته، پریشب، ذاد : غذا، دُوش «Dush» «شب گذشته، دیشب»، دِهنی «دیروز»، گَپ ،حَدی«Gap» حرف و سخن، کلبوک «Kalbuk» مارمولک، کُلوِک «Koluk» خمره سفالینه بزرگ، گپ: بزرگ، گُردِهGordeh کمر، گَنِه «Gene»، نامرغوب، دیوانه، محتَکَ یا مَختَک "Maxtak" مهد، گهواره، مُروا «Morva» فال نیک زدن، مِلیل "melil" ولرم، نیم گرم.

زبان مردم خارگ به مانند زبان‌های دیگر دارای چارچوب ساختاری و صرف افعال می‌باشد و برای اکثر افعال هم می‌توان فعل را به صورت مضارع داشت و هم صرف ماضی آن به شش صیغه زبان فارسی این افعال را صرف کرد.

به عنوان مثال: فعل دیدن که به زبان خارگی می‌شود (دیِره) ماضی و مضارعِ آن به این صورت صرف می شَود: من مِی بینم (مِ اَبینَه) تو مِی بینی (تُ اَبینَه) او مِی بیند (او اَبی) ما میَ بینیم (یمه اَبینی) شما می بینید (شُمه اَبینِه) آن‌ها می‌بینند (اونهه ابینه)



جالب این است که این زبان سر شار از ضرب‌المثل و امثال و حکم می‌باشد و حتی به این زبان در زمان‌های دور شعرهای جالبی گفته شده است.

ضرب المثل: به زبان خارگی:

نَم نِمکای دوشی، تِرَکشا پوشی

به زبان خارگی؛یَک نِفری اَشِه در خونه تویيِ سریَک جریانی که مابینشو بیره دُشموشادِ و دَعوشاشِک او بنده خُدَ هیچ شاش نمیگ، بَعد یَک روزی مِثل روز عید اَشِ خونِشُ، دَس گِردِشُک که وابَخشِشه، او نمیبَخشِش، اگِ اَمِرستَ دَر خونِم، دِشمومو دارِه،ایسَه،اِسکاتَ وابَخشِنات

ترجمَه: یَک‌نفر به درب منزل شخصی که از قبل بین آن‌ها مشکل و کدورتی بوجود آمده بوده است می رود و به آن شخص توهین و دشنام می دهد، ولی صاحب خانه جوابی به آن شخص نمی دهد،تا این که چند وقتی از این قضیه می گذرد و در یکی از اعیاد،آن شخصی که به شخص دیگری توهین و ناسزا گفته است برای طلب حلالیت به منزل آن شخص می رود و دست به گردن آن می اندازد و عذرخواهی می کند، ولی نمی پذیرد و رو به آن می گویید: نَم نِمکای دوشی، تِرَکشا پوشی آن روزی که به من توهین و دشنام دادی، فکر کردی من امروز تو را می‌بخشم؟!

معانی واژگان که اکثر به صورت فعل به کار می روند و قسمتی از واژه‌های که کاربرد زیادی در مکالمات روزمره دارند را معنا می کنیم:

رفتن (شُرِه) –آمدن(اَمره) –گفتن(گُتِ) –حرف زدن(حَدیَ کِردِه) –نگاَه کردن (تاشَه کِرده) – خوابیدن (ختِیره)– بلند شدَن(جُویستاره) –بستن(هوبَند)– گَرفتن(گِرتِه)–دیدن(دیرِه)– رسیدن(رسیره)– کوبیدن(کوتیرَه)– گذاشتن(اَنِسَه) –آوردن(اَمارَه) – سلام صبح بخیر(صباح کلا بوالخیر)–کجا می‌خواهی بروی؟ (اِسکات کُجَ بشَ)– می‌خواهم بروم ...(اَوُّم بِشَه... اِسکام بِشَه)– گرسنه ات نیست؟(نه گَسنتِنه؟)–غذا نمی خواهی؟ (ذاد نیوتِه؟) – ناهار چِی داریم؟ (ذاد چ مو هِ؟) – کجا بوده ای؟ (کُجَ بیرستَه ؟)



و چندین واژه دیگرَ : لباس (دَلمَن)–زیر پیراهن (گَنج فِراخ) –آستین (اُفتی) –روسری (شیله) –زود (هِریار) – دریا (تیو)–پسر (پُس) –دختر (دُخت) –شوهر (شی) –عروس (بیی) – خواهر شوهر (خَهشی) – داماد (دِمَ) –جزیره خارگو (اَندِرُوّی).



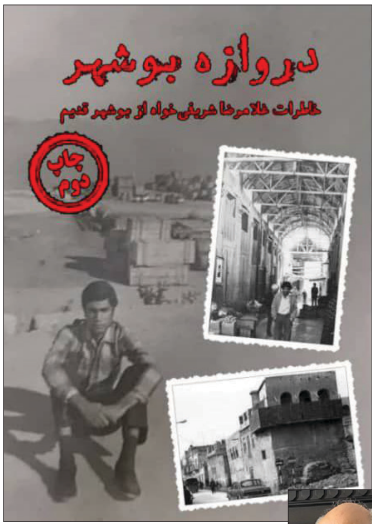
صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

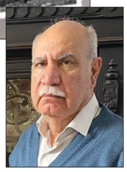
nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
www.nasimjonoub.com

رونمایی از کتاب دروازه بوشهر

مراسم رونمایی از کتاب دروازه بوشهر اثر غلامرضا شریفی‌خواه با حضور اعضای انجمن پرسه‌های اندیشه بوشهر برگزار شد.
در این مراسم که با استقبال جمعی از اهالی شعر و ادب و هنر در دهمین نشست دورهمی زمستانه انجمن پرسه‌های اندیشه بوشهر به همت دکتر حیدر محمدی باغملایی و دکتر اسمعیل محمدی باغملایی برگزار شد کتاب دروازه بوشهر شامل خاطرات غلامرضا شریفی‌خواه از بوشهر قدیم رونمایی و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.
غلامرضا شریفی‌خواه نویسنده کتاب ضمن خیرمقدم و تشکر از حضار شرکت‌کننده در مراسم این کتاب را قطره‌ای از دریای فرهنگ و سنت‌های بوشهر خوانده و افزود: ورود به خیلی از موضوعات مطرح شده در این کتاب برای ما سخت و گاهی غیرممکن به نظر می‌رسید؛ چون برای تهیه مطالب باید سراغ قدیمی‌ها می‌رفتیم که اکنون ناتوان و یا دچار بیماری‌های گوناگون بودند.
نویسنده کتاب دروازه بوشهر ضمن تشکر از آقای غلامرضا غریب زاده، حمایت‌های ایشان برای نوشتن مقالات را مهم‌ترین مشوق برای به سرانجام رسیدن و چاپ این کتاب عنوان کرده و افزود: مطالبی که تهیه می‌کردم ابتدا به‌صورت فایل صوتی منتشر می‌شد و چون موضوعات مورد لطف همشهریان قرار می‌گرفت تشویق‌ها شروع شد و همگی اصرار به نوشتن و ثبت این خاطرات کردند و بنده هم به وسع و توان خود اطاعت امر کردم و چاپ اولین مقاله من با موضوع شب‌نشینی‌های زمستانی بوشهر در نشریه وزین نسیم‌جنوب به مدیریت برادر عزیزم آقای یونس قیصی‌زاده باعث ترغیب هر چه بیشتر بنده برای ادامه فعالیت و نوشتن شد.
شریفی خواه در پایان سخنان خود ضمن تشکر از اظهار لطف همشهریان و استقبال از عرضه کتاب در چندروزه گذشته اظهار امیدواری کرد مطالب دیگری نیز درباره بوشهر قدیم تهیه و در اختیار همشهری های عزیز قرار گیرد.





دکتر نظامی سخنران این جلسه نیز ضمن تحلیلی از پژوهش‌های تاریخی بوشهردر چند دهه اخیر افزود: امیدواریم با استقبال از این کتاب دیگر نویسندگان فرهیخته بوشهری نیز نسبت به انتشار کتاب‌های مرتبط با بوشهر اقدام نمایند.

انتصاب نبی‌اله دهقانی به عنوان مدیرعامل شرکت توسعه صادرات صنعت سیمان ایران



نبی‌اله دهقانی از نیروهای بوشهری، به‌عنوان مدیرعامل و نائب رئیس هیئت‌مدیره شرکت توسعه صادرات صنعت سیمان ایران منصوب شد. این انتصاب با حکم رئیس هلدینگ فارس خوزستان صورت گرفته است.
سهامدار شرکت توسعه صادرات صنعت سیمان ایران ۹ هلدینگ سیمانی کشور شامل سه هلدینگ سیمانی از وزارت کار، وزارت دفاع، وزارت اقتصاد، بنیاد جانبازان و ... می‌باشد.



تقدیر سفارت ژاپن از «محسن شریفیان» و گروه «لیان»

بهمن بابازاده: مراسم اعطای تقدیرنامه سفیر ژاپن در ایران به موزیسین برجسته ایران و نوازنده نی انبان، «محسن شریفیان» در محل اقامت سفیر ژاپن در ایران برگزار شد.
در متنی که رسانه‌های ژاپنی به نقل از سفارت ژاپن در ایران منتشر کرده‌اند، آمده: «محسن شریفیان کنسرت‌های متعددی در نقاط مختلف جهان برگزار کرده است. از جمله کنسرتی در توکیو در سال ۲۰۱۶ و برگزاری یک سخنرانی ویژه در دانشگاه موسیقی توکیو در سال ۲۰۲۳. همچنین در همان سال در دهمین دوره «جشنواره فیلم عشق و صلح هیروشیما» به یاد قربانیان بمباران اتمی اجرا کردند. در سال ۲۰۲۴ نیز استاد شریفیان سفیر ژاپن، آقای تسوکادا را به کنسرت خود دعوت کرده و همراه ایشان به اجرا پرداختند که این اتفاق بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ایران داشت. به پاس این دستاوردها و تلاش‌های ایشان در ارتقای تبادلات موسیقایی میان ایران و ژاپن، تصمیم به اعطای تقدیرنامه به استاد شریفیان گرفته شد.» در این مراسم سفیر ژاپن در مورد این تصمیم توضیح دادند: «درمورد اعطای این جایزه با توکیو صحبت کردیم و همه با اجماع تصمیم گرفتیم که به جناب آقای شریفیان این جایزه را اعطای نماییم. این نشان‌دهنده این است که جناب آقای شریفیان و گروه لیان در تبادل فرهنگی بین دو کشور چقدر نقش بزرگی ایفا نمایند.»



محسن شریفیان نیز در صحبت‌های خود در این مراسم ضمن تشکر از جناب آقای تسوکادا تساماکی برای تقدیر از او و گروه موسیقی لیان، تاکید کرد: «آرزوی من نواختن نی‌انبان در سراسر جهان است و همیشه در رؤیای من نواختن نی‌انبانی به رنگ سفید و مزیّن به نقشه ای از کل جهان است؛ جهانی پر از شادی و صلح!»
گفتنی ست حضور و نوازندگی سفیر ژاپن در کنسرت مهرماه سال ۱۴۰۳ لیان در برج میلاد، با جنجال‌ها و استقبال فراوان رسانه‌ها در ایران رو به رو شد. خبرگزاری ها و سایت‌های خبری با انتشار این معاشرت فرهنگی، آن‌را اتفاقی ویژه و مهم و مثبت دانستند. حالا دو ماه پس از برگزاری آن اجرای مشترک، تقدیر ویژه سفارت ژاپن از محسن شریفیان، به نظر می‌رسد شروعی جدید در معاشرت‌های فرهنگی ایران و ژاپن در حوزه موسیقی خواهد بود. محمد بحرانی هنرمند و صداپیشه عروسک «جناب خان» و لیانا شریفیان نیز از میهمانان ویژه این مراسم بودند.